

سرکنگبین خصوصی سازی

جایی که جمع شدن انبوهی از سرمایه‌های کوچک و متوسط، هم امکان مانور و رشد بیشتری را به شرکت می‌دهند و هم به دلیل عدم وابستگی به یک فرد، خانواده یا گروه، ریسک عدم تداوم فعالیت را به دلیل درگذشت یا خروج یک یا چند مالک به شدت کاهش داده و هم به دلیل مشارکت فراگیر افراد در تصمیم‌گیری، اداره بهینه بنگاه را تضمین می‌کند.

برای اصلاح بهینه ساختار مالکیت بنگاه‌ها در کشور، عمومی سازی از طریق ترویج تأسیس شرکت‌های سهامی عام واقعی، مناسب‌ترین گزینه به نظر می‌آید و این حتی در بین شرکت‌های سهامی عام کنونی کشور نیز قابل مشاهده است. شواهد بسیاری را بین شرکت‌های ایرانی می‌توان یافت که به دلیل وابستگی اکثریت سهام یک شرکت به یک مؤسسه، بنگاه یا هلدینگ، تمامی برنامه‌های شرکت بر اثر جابه‌جایی مدیر هلدینگ یا تغییر سیاست‌های وی، دچار تغییر کامل شده و هر چند ماه یک بار، روزی از نو و سیاستی از نو مطرح شده و شرکت‌ها را با چالش عدم پیشرفت مناسب مواجه کرده است، اما درخصوص معدود شرکت‌هایی که تعداد بیش‌تر از سهام‌داران در تصمیم‌گیری مشارکت دارند، عقل جمعی در سیاست‌گذاری و اداره شرکت آن را به مراتب بالاتری از موفقیت رهنمون کرده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد یکی از دلایل مهم اینکه بیش از سه چهارم موفق‌ترین شرکت‌های جهان، شرکت‌های تأسیس‌یافته و فعال در کشورهای توسعه‌یافته و پیشرفته هستند، ساختار مالکیت آنان است. به تعبیر یکی از صاحب‌نظران مدیریت و کسب‌وکار - پیتز دراکر - فعالیت سرمایه‌داری در قالب مالکیت سوسیالیستی است که موجب رونق این شرکت‌ها شده و البته بدیهی است که این مدل با طرحی مانند سهام عدالت تفاوت اساسی دارد؛ زیرا در طرح سهام عدالت، اعطای گواهی سهام به کثیری از شهروندان به‌عنوان اعانه مدنظر قرار گرفت، اما در مدل مالکیت عمومی اساسا بحث سرمایه‌گذاری نهادی و سرمایه‌گذاران انبوه مطرح است و این همان ساختار مالکیتی است که در کشورهای پادشده بیش‌ترین درصد را دارد و آن مالکیت صندوق‌های سرمایه‌گذاری، بانزنسنگی، بیمه و تأمین آتیه به‌عنوان سرمایه‌گذاران نهادی و افراد به‌عنوان سرمایه‌گذاران حقیقی است و نه افراد عادی غیرسرمایه‌گذار. این موضوع در کشور ما، برای جبران اشتباهات و ناکارآمدی‌هایی که در واگذاری بنگاه‌ها صورت گرفته، می‌تواند نسخه‌ای شفاف‌بخش تلقی شود. برای اصلاح ساختار مالکیت، سلب اختیاری یا قهری تملک از یک مالک حقیقی یا حقوقی و سپردن آن به مالکی دیگر به صورت یک‌جا، از پراشتباه‌ترین سیاست‌ها به شمار می‌آید که به جای موفقیت، هزینه‌های هنگفتی را به کشور تحمیل خواهد کرد. استفاده از ظرفیت‌های بازار سرمایه می‌تواند تبدیل بنگاه‌های بزرگ و متوسط به نهادهای مردمی و فراگیر را از طریق شرکت سهامی عام واقعی - تأکید می‌شود: سهامی عام واقعی - تصمیم‌گیری و حرکتی قرین موفقیت برای خصوصی سازی و رشد اقتصاد به شمار آید. به

این منظور توجه کافی به بازار سرمایه ضرورتی تام دارد که همانند دولت‌های پیشین، در دولت یازدهم نیز آن‌گونه که باید و شاید در مرکز توجه قرار نگرفت. اگر سیاست‌گذاران و مجریان عالی کشور عنایت به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های بازار سرمایه داشته باشند، درخواهند یافت که هموارترین و کوتاه‌ترین مسیر خصوصی سازی با تمام دشواری‌اش، بازار سرمایه است که باید برای توسعه آن کوشید. خطای دیگری که در این مسیر می‌تواند رخ دهد، شتاب‌زدگی است. انتظار به‌ثمررسیدن طرح خصوصی سازی در یکی، دو سال، انتظاری به دور از منطق و واقع‌گرایی است. اگر بنگاه‌ها با شتاب از مالکان فعلی به یکی، دو مالک دیگر منتقل شوند، با یک تغییر دولت یا سیاست، دوباره همان بنگاه به مالک قبلی یا دیگری انتقال خواهد یافت بدون اینکه ارزشی در این میان خلق شده باشد. از این منظر، باز بازار سرمایه است که انتقال تدریجی و نهادی مالکیت را مسیر می‌کند.

نکته مهم دیگر اینکه عمومی سازی، خود جراحی بزرگی است که مانند جراحام نیاز به تهاهمی فراگیر در تمامی سطوح کشور دارد؛ از عالی‌ترین سطوح تصمیم‌گیری در کشور و قوای سه‌گانه گرفته تا سایر نهادهای رسمی و غیررسمی که نه‌تنها حمایت آنان، بلکه مشارکت فعالشان ضرورت تام دارد تا اهداف برنامه توسعه کشور از طریق اجرای خصوصی سازی و حرکت در مسیر دستیابی به اقتصادی مردم‌نهاد که از ویژگی‌های مورد تأکید مدل اقتصاد مقاومتی است، بتوانند با برخورداری از برنامه‌ای دقیق، اراده‌ای آهنین و هماهنگی کامل، در بازه‌ای بین سه تا پنج سال، به تحقق برسند؛ وگرنه باز شاهد حرکتی ناکام در مسیر خصوصی سازی خواهیم بود.

«عضو هیئت علمی دانشگاه و مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی

شرق: چندی پیش رئیس‌جمهور در ضیافت افطار با فعالان اقتصادی، از خصوصی سازی به‌عنوان انتقال قدرت از دولت به شبهه‌دولتی‌ها انتقاد کرد. این سخن حسن روحانی اشاره به آن داشت که خصوصی سازی‌هایی که در سطح کشور رخ داده، عموما خارج از قاعده و صرفا با هدف تأمین مالی و درآمدسازی برای دولت بوده است. حجت‌الله میرزایی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و معاون وزیر کار، در گفت‌وگویی با «شرق» با بررسی روند خصوصی سازی در کشور، ریشه این نوع واگذاری‌ها را فارغ از نگاه تأمین مالی برای دولت، در نبود خریداری دیگر جزشبه‌دولتی‌ها و صندوق‌های بانزنسنگی می‌بیند. او دراین حال ریشه مشکلات کنونی نظام بانکی و صندوق‌های بانزنسنگی را در این انحصار می‌داند و تأکید می‌کند دولت‌ها با واگذاری‌های غیراصولی، حمایت‌های پیشین خود از بنگاه‌ها را به یک‌باره از آنها سلب کردند و حتی بعد از واگذاری، تعدادی بنگاه رقیب درست کردند. این بنگاه‌ها بلافاصله وارد رقابتی جدی با رقبایی که به‌گونه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم از حمایت‌های مختلفی استفاده می‌کردند، شدند و هنوز بنگاه‌های خصوصی شده نتوانسته‌اند خود را برای این شرایط جدید آماده کنند و به‌همین دلیل با مشکلات زیادی مواجه شدند. با اینکه او معتقد است حتما باید این رویه اصلاح شود، اما بااین حال، تأکید می‌کند که دولت از پذیرش دوباره این بنگاه‌ها به سبب مشکلاتشان پرهیز می‌کند و اصولا به صلاح نیست این بنگاه‌ها بازپس گرفته شوند.

آقای روحانی در آخرین اظهارنظرهای درباره خصوصی سازی‌ها، گفتند خصوصی سازی‌ها در گذشته منجر به تقویت بخش خصوصی نشده اما در این دولت در مسیر درستی قرار گرفته است. البته همیشه از جناح مقابل نقدهایی برخلاف این گفته‌ها داریم. دراین باره چه نظری دارید؟

خصوصی سازی از موضوعاتی است که نیاز است به‌طور جدی مورد بازنگری قرار گیرد. در دو دهه گذشته زیر سایه اسطوره ذهنی که تصور می‌کردیم خصوصی سازی، یعنی واگذاری شرکت‌ها از دولت به بخش خصوصی که الزاما منجر به افزایش رقابت در صنعت، توسعه صنعتی، کاهش اندازه دولت، چابکی دولت و گرایی بنگاه‌های اقتصادی می‌شود، دست به‌خصوصی سازی‌های عجولانه زدیم. امروز ارزیابی‌ها نشان می‌دهد این اهداف محقق نشده و با اینکه قرار بود این خصوصی سازی‌ها براساس سیاست‌های کلی خصوصی سازی، در ۴۴ عملا به توانمندسازی اقتصاد ملی منجر شود، اما به نظر می‌رسد بخشی از توان اقتصاد ملی متأسفانه از دست رفته است.

آ به این علت که این تفکر از اساس اشتباه بوده یا اجرایی نشده؟

اصل خصوصی سازی یک تفکر و سیاست کاملا پذیرفته‌شده است که بسیاری از کشورها اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه و کشورهای درحال گذار آن را تجربه کرده‌اند. بعضی توفیق داشته و بعضی نداشته‌اند. تفاوت اصلی هم در سازوکارها، فرایند و روش خصوصی سازی است و مهم‌تر از آن اینکه با چه مبنای ذهنی و معرفتی سازماندهی شده است. از خصوصی سازی سازوکار تأمین مالی دولت است یا گسترش رقابت و مقابله با انحصار و توسعه صنعتی یا دفع شر ما؟ به همان اندازه که در خصوصی سازی تأخیر داشتیم در مرحله واگذاری با شتاب و تسخیر عمل کردیم. در یک دوره ۵۱ساله حدود ۸۵۰ شرکت با ارزش تقریبی ۱۴۰ هزار میلیارد تومان واگذار شده است. تلقی ذهنی و مبنای معرفتی ما از خصوصی سازی درست نبوده و خصوصی سازی را عمدتا به‌عنوان روش تأمین مالی دولت، رفع دیون و بدهی‌های دولت به بانک‌ها و صندوق‌های بانزنسنگی یا حمایت از گروه‌های خاص تلقی کردیم؛ روشی که براساس آن بنگاه‌ها را به‌عنوان بخشی از اموال دولتی واگذار کرده و هرساله بخشی از کسر بودجه دولت را در پیش‌بینی‌هایمان از طریق فروش این اموال و شرکت‌های دولتی تأمین کرده‌ایم. این نقطه شروع آسیب است با این تلقی بنگاه به یکی واگذار می‌شود که در کوتاه‌ترین زمان بیش‌ترین قیمت را پرداخت کند، نه الزاما کسی که اهلیت و صلاحیت مالی بنگاه‌ها را داشته باشد. این تفاوت کشور ما با کشورهای است که در خصوصی سازی توفیق داشته‌اند. باید معیار اصلی برای واگذاری، اهلیت و شایستگی افراد برای اداره امور بنگاه‌ها و تقویت تولید صنعتی و برخورداری از بنگاه‌ها داشتند و رشد تولید، نوآوری صنعتی، بهبود فناوری و ارتقای رقابت‌پذیری اقتصادی بنگاه‌ها تعیین می‌شد. در کشورهایی که توفیق داشتند خصوصی سازی، سازوکار توسعه صنعتی و ارتقای فناوری تلقی شده و تأکید اصلی بر اهلیت‌سنجی بسیار دقیق و تفصیلی و ارزیابی برنامه ارائه‌شده و نظارت‌های دقیق بعد از واگذاری بوده است. در ایران تأکید بر زمان وصول و مبلغ فروش قرارداد است. نکته بعدی درباره نوع رابطه حقوقی است که سازمان خصوصی سازی با خریداران برقرار کرده و نوع نظارت‌هایی که زمان واگذاری و بعد از آن اعمال می‌کند. براساس ارزیابی‌های انجام‌شده در ایران حدود ۸۰ درصد از واگذاری‌های رد دیون در بخش عمومی دولتی و غیردولتی بوده است. بخش مهمی از آسیب‌ها از همین‌جا شروع شد. مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد از کل واگذاری‌ها سهم بخش خصوصی واقعی بین پنج تا ۱۷ درصد برآورد شده است. این یعنی اساسا خصوصی سازی اتفاق نیفتاده و از بخش عمومی به بخش عمومی دیگری واگذار شده. مثلا واگذاری از وزارت صنعت، نیرو و راه به صندوق‌های بانزنسنگی که بخش مهمی از واگذاری‌ها

اقتصاد

میرزایی در گفت‌وگو با «شرق» از رقیب سازی دولت برای بنگاه‌های واگذار شده خبر داد

دگر دیسی از انحصار به انحصار



عبدالامیر جعفری‌زاده شرق

بوده، مؤیدی بر این مسئله است. با واگذاری به بانک‌های خصوصی و دولتی که در مرحله بعد با پیامدهای خیلی بدتری به بنگاهداری گسترده صندوق‌ها و بانک‌ها تبدیل شده و بخشی از مسائلی که امروز صندوق‌ها با بانک‌ها با آن مواجه هستند، ناشی از همین شکل واگذاری هاست. این امر سبب شده این نهاده‌ها به جای تأکیدمحوری و توجه به رسالت‌های اصلی و مأموریت‌هایی که در زمینه سیاست‌گذاری رفاه یا ارتقای خدمات بیمه‌ای و کمک به پایداری صندوق‌ها داشتند، دگر گر فعالیت غیرمرتبطی به نام بنگاهداری شوند. بانک‌ها هم همین‌طور، به جای اینکه به‌عنوان یک نهاد مهم در بازار مالی و واسطه‌گری مالی را انجام دهند، به بنگاهداری و سرمایه‌گذاری مستقیم در دامنه گسترده‌ای از ساختمان و بازرگانی و تولید صنعتی یا پیمانکاری پرداخته‌اند. به‌طور جدی می‌شود گفت بخشی از مسائلی که امروز نظام بانکی و صندوق‌های بانزنسنگی با آن مواجهند ریشه در این انحراف دارد. از طرف دیگر بنگاه‌ها هم با مسائل جدی مواجه شده‌اند. بنگاه‌ها از یک گذشته به‌طور انحصاری تخصصی هلدینگ‌سی که در دولت وجود داشت، با وجود تمام کاستی‌هایی که نظام مدیریت دولتی دارد به یک نظام راهبری که به‌هیچ‌وجه تخصصی در آن وجود نداشته پرتاب شده‌اند. به‌طور مثال شرکت‌های فولادی، عمدتا در یک سازمان کاملا تخصصی فولاد به نام شرکت ملی فولاد اداره می‌شدند که از پایین‌ترین تا بالاترین سطوح، فولاد را می‌فهمیدند و مسائل تخصصی و فنی آن را می‌شناختند و می‌توانستند در سیاست‌گذاری کلان و خرد به بنگاه‌ها کمک کنند. در واگذاری، این بنگاه‌ها جدا شده و پرتاب شدند در نظام مدیریت و راهبری که در آن تخصصی وجود نداشت. درواقع سید بسیار متنوعی از بنگاه‌ها از دامبروری تا پتروشیمی و فولاد و حمل‌ونقل و تجارت و آنها وجود داشته و هیچ نظام راهبری تخصصی هم وجود نداشته ضمن اینکه در بعضی از این سازمان‌ها با نظام مدیریت چندلایه و غیرقابل نفوذ مواجه شدند.

آ به چه معنی؟

مثلا برخلاف قبل از آن، که در یک بنگاه فولادی همه تصمیمات از تعیین هیئت‌مدیره، تأمین مالی، سرمایه‌گذاری، افزایش سرمایه، تصمیم به تغییر توسعه‌ای، اصلاح ساختار فنی، منابع انسانی، یا ساختار مالی و... از سوی شرکت ملی فولاد و شرکت ملی پتروشیمی انجام می‌شد، پس از واگذاری به شرکتی وابسته به بانک ملی یا شرکت‌های دیگر، این بنگاه‌ها با نظامی چندلایه و پیچیده مواجه شدند که اولای لینگ‌هایی که اینها را اداره می‌کردند تخصصی فولاد و پتروشیمی نبودند، ثابا به تلهایی توان تصمیم‌گیری نداشتند و حتی تصمیمات ساده باید در چند لایه تصویب می‌شد و به هلدینگ اصلی یا مادر برای رسیدگی منتقل و تصمیم‌گیری می‌شد بدون اینکه از دانشی منتقل تخصصی فولاد یا توان تصمیم‌گیری برخوردار باشند. به‌همین دلیل عملا این بنگاه‌ها با فقدان و آسیب خیلی جدی در نظام راهبری مواجه شدند. بخشی از اینها هم متأسفانه بدون اهلیت‌سنجی به کسانی واگذار شدند که هیچ تخصص یا اهلیتی در آن صنعت نداشتند. مثلا کسانی که در صنعت ساختمان فعالیت داشتند و بنگاه‌های پتروشیمی، فولاد و ماشین‌سازی‌ها را خریدند و بعضی‌ها البته تمایل داشتند این صنعت را ادامه دهند ولی چون تخصص مناسب را نداشتند شکست خوردند و بعضی‌ها متأسفانه از اساس نه برای تداوم کار صنعتی، بلکه برای اهداف دیگری مثل فروش ماشین‌آلات، فروش زمین‌هایی که بنگاه‌ها داشتند و تغییر کاربری و تبدیلیشان به زمین‌هایی که برای ساخت‌وساز مناسب بود، با نگاه سوداگری زمین بنگاه‌ها را خریدند. بخش بزرگی از بنگاه‌هایی که امروز در استان‌های صنعتی و غیرصنعتی مثل اصفهان، آذربایجان، مرکزی، خوزستان به‌عنوان بنگاه‌های مشکل‌دار می‌شناسیم که عمدتا با توقف تولید یا تنش‌های کارگری مواجه هستند، بنگاه‌هایی هستند که متأسفانه خصوصی سازی شده‌اند. بالاترین سطح خصوصی سازی در دوره دولت‌های نهم و دهم اتفاق افتاد. بدون توجه به معیارها و ضوابط خصوصی سازی، اعمال نظارت‌های لازم یا حمایت‌هایی که دولت باید بعد از خصوصی سازی انجام می‌داد، این بنگاه‌ها رها شده و به نقطه تعطیلی رسیدند. دولت پس از واگذاری بخشی از این بنگاه‌ها با اختیار تمام امتیازات و حقوق منکسبه که به آنها داده بود را قطع کرد، یارانه‌هایی که پرداخت می‌کرد، قراردادهایی که به صورت ترک تشریفات یا خارج از مزایده‌ها به اینها واگذار می‌کرد را کنار گذاشت و بدون اینکه توانمندی لازم در این بنگاه‌ها را به دست بیاورند، رهایشان کرد. یا اینکه دولت بعد از واگذاری، تعدادی بنگاه رقیب درست کرد و فعالیت‌هایش را

فروش زمین در مناطق آزاد و عوارض حاصل از واردات مناطق آزاد. درحالی‌که مناطق آزاد در هیچ جای دنیا روش تأمین مالی نیست. محمل توسعه صادرات، جذب سرمایه‌گذاری و انتقال فناوری است. در بسیاری از کشورها مانند آلمان یا کشورهای درحال‌گذار موفق، واگذاری بنگاه‌ها در فرایند قیمت‌گذاری آسان است؛ اما اهلیت‌سنجی بسیار دشوار اتفاق می‌افتد. واگذاری‌های ۵۰ و صدساله با قیمت‌های پایین حتی رایگان است؛ اما واگذاری به کسانی که به اهلیت و توانایی آنها برای اداره بنگاه‌ها به‌طور جدی توجه شده و نظارت‌های خیلی جدی بعد از آن هم وجود دارد. به‌عنوان نمونه، ترکیب مدیران، برنامه‌گذاران توسعه، حفظ اشتغال، ارتقای فناوری، اجرای طرح‌های توسعه‌ای و... به طور جدی مورد نظارت دولت قرار گرفته است.

آ در دولت حاضر معاونت بالایی برای اصلاح این روند وجود داشت. دولت تا چه اندازه می‌تواند با کمک قانون این ساختار را اصلاح کند. آیا بهتر نیست این بنگاه‌ها پس گرفته شود؟

بخشی از آن نیازمند بازنگری است. اگر وجه معامله پرداخت شده باشد، بعید می‌دانم بازپس‌گیری انجام شود. بستگی به نوع قراردادی که صورت گرفته، دارد. گاهی ۱۰ سال بیشتر از واگذاری‌ها گذشته و نمی‌توان به‌راحتی آن را پس گرفت. ضمن اینکه دولت الان به‌شدت از اینکه خود را گرفتار بنگاه‌های به‌شدت مشکل‌دار و زیان‌دهی که با مسائل کارگری متعددی مواجه‌اند، تولیدشان متوقف شده و با ظرفیت پایین کار می‌کنند، پرهیز می‌کند. این بنگاه‌ها، مسائل جدیدی برای دولت ایجاد خواهند کرد. اگرچه همین الان هم مشکلات بنگاه‌ها، وپال کردن دولت است و دولت در استان‌ها و وزارت صنعت، عموما هر روز با این مسئله مواجه است؛ اما بازگشتش به بخش دولتی هم به‌هیچ‌وجه به صلاح نیست و باید سازوکارهای دیگری را یش‌بینی کرد.

آ چه سازوکارهایی؟

مثلا با شرایط دیگری مالکان یا سهام‌داران این بنگاه‌ها را به کسانی که از اهلیت برخوردار هستند و حاضر به سرمایه‌گذاری هستند، واگذار کنند.

آ اما مالکان کنونی راضی به این کار نمی‌شوند.

به‌رحال باید متقاعد شوند که با باید بنگاه‌ها را از این وضعیت نجات دهند یا این بنگاه‌ها مجددا واگذار شوند. اکنون هم دولت توان اداره بنگاه‌ها را ندارد و می‌تواند به صلاح نبست. این بنگاه‌ها حجم زیادی تعهد مالی به بانک‌ها، پیمانکاران و سایر طلبکاران دارند و دولت نمی‌تواند در شرایط فعلی تعهدات آنها را هم بر عهده بگیرد. در بسیاری از موارد، کمک به توانمندسازی و اصلاح ترکیب سهام‌داران، ورود سهام‌داران جدید یا پذیرش سرمایه‌گذاران و کسانی که تمایل دارند با شرایط مناسب، وارد ماجرا شوند، کمک‌هایی است که دولت می‌تواند انجام دهد؛ وگرنه ورود دولت برای پذیرش و بازپس‌گیری، به صلاح نیست. البته در بعضی موارد، دولت مداخله کرده و بنگاه‌های آسیب‌دیده در بخش خصوصی را به سرمایه‌گذاران دارای صلاحیت معرفی کرده یا آنها را ملزم به اصلاح ساختار مدیریتی، فنی و مالی کرده است که از این جمله می‌توان به هیپکو، صدرا و پلی‌اکریل اشاره کرد.

آ بهتازگی آقای رئیس‌جمهور از روند خصوصی سازی انتقاد کرده‌اند؛ زمینه طرح این سخنان را چه می‌دانید؟

به نظر گله‌ای که آقای روحانی به‌ویژه از واگذاری بنگاه‌ها داشتند، درست است. دولت باید کمک می‌کرد تا فضای اقتصاد رقابتی‌تر شود. خصوصی سازی هم بیش از اینکه چه کسی مالک آن است، باید با هدف افزایش رقابت صورت می‌گرفت. مثلا در نظام بانکی و بیمه‌ای، قبل از واگذاری بانک‌های دولتی به بخش خصوصی، کمک کردیم تا بازار رقابت بانکی باز شود و بانک‌های خصوصی ایجاد شوند. درباره بیمه هم همین کار را کردیم؛ اما در بسیاری از صنایع دیگر این اتفاق نیفتاده و واگذاری کمکی به رقابت نکرده است؛ بلکه شکلی از انحصار را به شکل دیگری از انحصار تبدیل کرده است، در واقع الزاما به بهبود فضای رقابت صنعتی کمک نشده است. در خیلی از موارد هم متأسفانه همان دولتی که مسئله اصلی‌اش تأمین مالی بوده، بنگاه‌هایی را که بازدهی نسبتا خوبی داشتند و سودده بودند مانند مخابرات، واگذار کرده و بخش بزرگی از بنگاه‌هایی که دولت باید واگذار می‌کرد، به هر دلیل، با فشارهای منطقه‌ای و سیاسی واگذار نشده است.

ادامه در صفحه۱۸

جرتقیل‌ها و بالابرهای کشور نیازمند استانداردسازی و نظارت

• دبیر پنجمین همایش ملی و نمایشگاه تخصصی جرتقیل، لیفتینگ، لیفتراک، بالابرها و صنایع وابسته گفت: درحال حاضر حدود یک میلیون جرتقیل و بالابرهای مختلف در استان‌های مختلف کشور به کار گرفته می‌شود و این در حالی است که استاندارد و نظارت خاصی بر فعالیت آنها وجود ندارد و باید گفت استاندارد و نظارت دو حلقه اصلی گمشده این صنعت است و اگر مورد توجه قرار نگیرد، باید منتظر حوادث مختلفی باشیم. عبدی به برگزاری پنجمین همایش ملی و نمایشگاه تخصصی جرتقیل، لیفتینگ، لیفتراک، بالابرها و صنایع وابسته اشاره کرد و گفت: یکی از مهم‌ترین محورهاى برگزاری همایش جرتقیل و بالابرها که پنج سال است برگزار می‌شود، گسترش فرهنگ استانداردسازی و ترویج آن در بین شرکت‌های به‌کارگیرنده این صنایع است. وی با بیان اینکه پنجمین همایش ملی و نمایشگاه تخصصی جرتقیل، لیفتینگ، لیفتراک، بالابرها و صنایع وابسته یکم و دوم شهروں برگزار خواهد شد، گفت: این رویداد با حمایت و همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان ملی استاندارد برگزار می‌شود. عبدی اضافه کرد: شناسایی فعالان مختلف این حوزه و پوشش جامعه چهارهزارنفری کارشناسان فعال این صنعت شامل کارشناسان ایمنی ماشین‌آلات، تعمیرات و نگهداری، واردکنندگان و تولیدکنندگان، آشنایی با تولیدات جدید این صنعت، حرکت به سمت استانداردسازی و به‌روزرکردن دانش استفاده از جرتقیل‌ها و بالابرهای بزرگ و فوق بزرگ، بر خی از اهداف برگزاری پنجمین همایش ملی و نمایشگاه تخصصی جرتقیل، لیفتینگ، لیفتراک، بالابرها و صنایع وابسته است. وی با بیان اینکه جرتقیل‌ها و بالابرهای کشور از نظر ایمنی متأسفانه وضع مطلوبی ندارند، گفت: تلاش می‌کنیم در این همایش که علاوه بر صنعتگران استان دانشگاه نیز حضور خواهند داشت، در جهت آموزش‌های استفاده‌کنندگان این صنعت و مبحث ایمنی حرکت کنیم. وی با بیان اینکه درحال حاضر بیش از ۹۰ درصد جرتقیل‌های بلند و برنجی (جرتقیل تاورکراین) موجود در کشور ساخت کشورهای خارجی و وارداتی است، گفت: هرچند استانداردهایی برای جرتقیل‌ها وضع شده است، اما متأسفانه این استانداردها، استانداردهای الزامی نیستند، بنابراین دیرخانه همایش تلاش دارد برای تدوین راهکارهای الزامی‌شدن این استانداردها برنامه مدونی تهیه کند.

همراه اول اولین اپراتور در مطالعه و پیاده سازی 5G در ایران

• همراه اول و نوکیا برای ارائه خدمات نسل پنجم تلفن همراه در ایران تفاهم‌نامه همکاری امضا کردند. به گزارش اداره کل ارتباطات شرکت ارتباطات سیار ایران، روز دوشنبه (۱۲ تیرماه) همراه اول به‌عنوان بزرگ‌ترین اپراتور تلفن همراه خاورمیانه و نوکیا به‌عنوان وندور اول LTE در جهان، برای شناخت، توسعه و پیاده‌سازی نسل پنجم تلفن همراه (5G)، تفاهم‌نامه همکاری امضا کردند. در این مراسم که مدیرعامل همراه اول، مدیر منطقه خاورمیانه و آفریقای شرکت نوکیا و جمعی از مدیران همراه اول و نوکیا حضور داشتند، این دو شرکت تفاهم کردند در مدت تفاهم‌نامه، مسیر 5G در ایران را با هم جلو ببرند. با تفاهم صورت‌گرفته با شرکت نوکیا که طبق گزارش Dell’Oro’s وندور برتر LTE در سال ۲۰۱۷ است، مشترکان همراه اول خواهند توانست اینترنت GS را همگام با کشورهای پیشرفته تجربه کنند. همراه اول به‌عنوان بزرگ‌ترین اپراتور تلفن همراه (در هر دو حوزه مکالمه و اینترنت همراه) و اولین ارائه‌دهنده اینترنت نسل ۴.۵ تلفن همراه در کشور، هم‌اکنون ۹۷۵ شهر را تحت پوشش نسل ۴ و ۷۲۵ شهر را تحت پوشش نسل ۴.۵ تلفن همراه قرار داده است و با این اقدام همچنان پیشروبودن خود را در ارائه آخرین فناوری‌ها ادامه می‌دهد.

آگهی تشکیل مجمع عمومی عادی سالانه فدراسیون صنعت نفت ایران

به شماره ثبت ۳۹۰۹۴ مورخ ۱۳۹۵/۴/۲۲ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۹۹۳۸۲۹ در روز سه شنبه مورخ ۲۷ تیرماه ۱۳۹۶ از ساعت ۳۰: ۱۴ الی ۳۰: ۱۶ به آدرس: خیابان زرتشت، نبش بیمارستان مهر، کوچه مهدوی کوچه شهید غفاری، پلاک ۲۶ برگزار خواهد شد.

دستور جلسه:
الف- استماع گزارش هیات مدیره، خزانه دار و بازرس.
ب – تصویب عملکرد و بیلان مالی
سال ۹۵ و برنامه ریزی سال ۹۶.
ج- انتخاب بازرس اصلی و علی البدل.
د- انتخاب روزنامه کثیر الانتشار.

بدین وسیله از روسای محترم انجمن های عضو دعوت به عمل می آید دراین نشست حضور بهم رسانند.

هیات مدیره فدراسیون صنعت نفت ایران



فدراسیون صنعت نفت ایران